

## بازار مشترك اروپا

از جنگ اول جهانی به بعد امریکا میان تمام کشورهای جهان از نظر اقتصادی در درجه اول قرار گرفت. این تفوق اقتصادی از این نظر اهمیت داشت که بامتلاشی شدن اقتصاد دیگر کشورهای جهان مصادف بود، زیرا از همان هنگام که اقتصاد امریکا به سبب وجود بازاری واحد و وسیع که دامنه آن سراسر قاره امریکا را فرا گرفته بود رو به تکامل گذاشت، توازن بازرگانی چند جانبه میان کشورهای اروپائی به سبب پیدایش حس ملیت اقتصادی دچار بحران گردید.

قبل از جنگ جهانی اول اقتصاد کشورهای اروپائی نظم و ترتیبی داشت زیرا نسبت بهای پولهای رایج در کشورهای مهم به یکدیگر چون مبتنی بر واحد طلا بود دارای ثبات بود و حرکت عوامل تولید خاصه سرمایه از يك کشور به کشور دیگر به اندازه ای به سهولت انجام می گرفت که نظیر آن تاکنون دیده نشده است. این عوامل نظم و ترتیب که آن زمان کشورهای اروپائی از آن برخوردار بودند راه را برای ایجاد سازمان حمل و نقل و بازرگانی خارجی مهیا کرد و در نتیجه در مناطقی که تازه به صورت شهر درآمدی بود يك نظم صنعتی جدید به وجود آورد. این سازمان اقتصادی منظم اروپا در نتیجه جنگ و حوادث بعد از جنگ از میان رفت و نتیجه این شد که نه تنها اقتصاد اروپا، بلکه اتحادیه های اقتصادی که میان چند کشور اروپائی در حال نضج بود متلاشی شود.

از جمله عللی که موجب متلاشی شدن اقتصاد اروپا شد عداوتی بود که بعد از جنگ میان فرانسه و آلمان به وجود آمد. بین دو جنگ جهانی حس ملیت اقتصادی میان کشورهای اروپائی شدید تر شد. ولی در زمان جنگ دوم متفکران اقتصادی اروپا به این نتیجه رسیدند که آینده این قاره و قدرت سیاسی آن بستگی به میزان همکاری های اقتصادی کشورهای اروپائی دارد. اعلامیه مورخ ۹ مه ۱۹۵۰ که از طرف فرانسه منتشر شد و منجر به ایجاد «اتحادیه مولدان زغال سنگ و فولاد» گردید برای اولین بار به ثبوت رسانید که کشورهای اروپائی به رغم اختلافات سیاسی دیرین خود يك رویه همکاری اقتصادی پیش گرفته اند. رابرت شو من<sup>۲</sup> وزیر خارجه فرانسه در مقدمه ای که بر کتاب «اتحادیه مولدان زغال سنگ و فولاد اروپا» نوشت متذکر شد: «... کمک اروپائی منظم و متشکل برای نگاهداری و حفظ صلح به تمدن دنیا نهایت ضرورت را دارد. دولت فرانسه که بیش از بیست سال خود را قهرمان اروپای متحد و متشکل معرفی کرده است تنها هدفش حفظ و نگاهداری صلح است... خرابیهای اروپا را يك شبه نمی توان ترمیم کرد... زیرا ترمیم خرابیهای اروپا مستلزم آنست که ابتدا اتحاد و اتفاق واقعی میان کشورهای اروپائی

۱- J. M. Keynes: The Economic Consequences of the peace

London 1922, p. 13.

۲- Robert Schuman

به وجود آید . . . اتفاق و اتحاد اروپا در درجه اول بسته به آنست که دولتهای فرانسه و آلمان دشمنی دیرین خود را فراموش کنند و به منظور ایجاد اتحاد میان کشورهای اروپائی پیش قدم شوند . ۱



اتحادیه مولدان فولاد و زغال سنگ اروپا از این نظر اهمیت دارد که تولید فولاد حتی در عصر حاضر با وجود اختراعات وسائل جنگی جدید اهمیت خود را داراست و در حقیقت اساس قدرت نظامی کشورهای بزرگ است . در چند سال اخیر میزان تولید فولاد ۰.۹۵٪ کل تولید دیگر فلزهای جهان را تشکیل می‌دهد . اگر میزان تولید فولاد از آغاز انقلاب صنعتی مورد مطالعه قرار گیرد مشاهده می‌شود که در قرن هیجدهم بین کشورهای بزرگ اروپا از لحاظ تولید فولاد

۱ - P. Reuter : La Communauté Européenne du charbon et de l'acier, Paris, (1953) p. 3 .

تبادل برقرار بوده است و با آنکه در آن زمان دولت فرانسه از نظر تولید فولاد بر دیگر کشورها برتری داشته است این کشور قادر نبوده است از نظر قدرت تولید همسایگان خود را زیر فشار قرار دهد. بعد از ۱۸۰۰ میلادی در نتیجه انقلاب صنعتی اروپا که از انگلستان آغاز گردید تبادل تولید فولاد بین کشورهای اروپائی بهم خورد. از سال ۱۸۰۰ تا ۱۸۷۰ میزان تولید فولاد در انگلستان ۳۰۰۰ درصد ترقی کرد، و در واقع قدرت و تفوق سیاسی انگلستان در قرن نوزدهم بر اساس میزان تولید فولاد قرارداد شد<sup>۱</sup>

بعد از سال ۱۸۷۰ تولید فولاد در کشورهای متحد امریکا، آلمان و روسیه به سرعت زیاد شد. میزان تولید فولاد آلمان درین زمان بیش از دیگر کشورهای ترقی کرد، به طوری که در ۱۹۱۳ یعنی یکسال پیش از جنگ جهانی اول میزان تولید فولاد آلمان از جمع تولید فولاد انگلیس و فرانسه بیشتر بود.<sup>۲</sup>

پس از جنگ جهانی اول و انعقاد قرار داد «ورسای» در نتیجه برگشت ناحیه لورن<sup>۳</sup> به فرانسه میزان تولید فولاد آلمان از ۱۹ میلیون به دوازده میلیون تن تنزل کرد. با آنکه قرار داد ورسای در واقع برای تولید فولاد باردیگر در اروپا تعادلی برقرار کرد، ولی مرزهای سیاسی تازه ای که به وجود آمد مانع شد که آهن و فولاد و زغال آزادانه میان کشورهای مختلف رد و بدل شود. در نتیجه رشد اقتصادی اروپا کند گردید و سهم اروپا در تولید فولاد و آهن به تائی ولی به طور مداوم رو به تنزل گذاشت.

در خلال این احوال در کشور دیگر از نظر تولید فولاد اهمیت یافتند؛ یکی ژاپن و دیگری روسیه شوروی. سرعت از دیاد تولید فولاد در شوروی از همه کشورها بیشتر بود و تولید آن که در سال ۱۹۲۹ فقط به پنج میلیون تن می رسید در سال ۱۹۳۷ به ده میلیون تن بالغ گردید و به تدریج بعد از کشورهای متحد امریکا مقام اول را در تولید فولاد به دست آورد. در جدول زیر آنچه بیان شد به طور دقیق مشاهده می گردد:

### کشورهای تولید کننده فولاد در سالهای ۱۹۱۳ - ۱۹۴۵ و ۱۹۵۶

( میلیون تن )

تولید ۱۹۵۶	تولید ۱۹۴۵	تولید ۱۹۱۳
۱۰۴/۵	۸۰/۱	۳۱/۸
کشورهای متحد امریکا	کشورهای متحد امریکا	کشورهای متحد امریکا
۴۸/۶	۴۱	۱۸/۹
روسیه شوروی	روسیه شوروی	آلمان
۲۳/۲	۱۸/۸	۷/۸
آلمان غربی	انگلستان	انگلستان
۲۱	۱۷/۴	۷
انگلستان	آلمان غربی	فرانسه
۱۳/۴	۱۰/۶	۴/۸
فرانسه	فرانسه	روسیه

۱- R. F. Sannwald and J. Stohler : Economic Integration, Theoretical Assumptions and Consequences of European Integration, Princeton, ( 1959 ) p 5 .  
۲ - از کتاب بالا صفحه ۷

۳ - Lorraine

۴ - J. B. Parish: Iron and Steel in the Balance & world power, the Journal of political Economy ( 1956 )

ازدياد ميزان توليد فولاد و تغييرهائي كه از اين لحاظمیان کشورهای بزرگ رخ داد دارای اهمیت بسیار بود. در دهه اول ۱۹۴۰ دولت شوروی با بستگی که به کشورهای خاوری اروپا یافت به میزان تولید فولاد خود افزود، یعنی در حالی که میزان تولید فولاد در اروپای غربی تحت نظارت سه دولت انگلستان، آلمان غربی و فرانسه بود تمام تولید فولاد اروپای شرقی تحت نظارت دولت شوروی اداره می شد. این موضوع خود باعث گردید که حس همکاری اقتصادی و سیاسی میان کشورهای غربی اروپا بار دیگر قوت بگیرد، زیرا احساس می شد که قدرت تولیدی اروپای غربی از میزان تولید اروپای شرقی کمتر است. ولی از هنگامی که شورای عالی اتحادیه مولدان زغال سنگ و فولاد<sup>۱</sup> به وجود آمد قدرت تولید اروپای غربی بیشتر شد، و وضع سیاسی اروپای غربی تقویت گردید.

گذشته از اهمیت سیاسی این طرح، ایجاد اتحادیه مولدان زغال سنگ و فولاد اروپا آغاز همکاری تازه ای بود میان کشورهای اروپای غربی. زیرا مسائلی که به سبب موضوع استفاده از نیروی اتمی مطرح شده بود به نحوی نبود که کشورهای اروپای غربی هر يك به تنهایی بتوانند آن را حل کنند. گذشته از مسائل فنی جدید که استفاده از نیروی اتمی به وجود آورده بود، به علت وسعت بازار امریکا هیچ يك از کشورهای اروپا قادر نبودند از نظر تولید با امریکا برابری کنند<sup>۲</sup> از این رو کشورهای اروپائی برای تقویت نیروی صنعتی خود و توانائی مقابله با نیروی تولیدی امریکا تشکیل اتحادیه هائی را لازم دانستند.

بعد از تشکیل اتحادیه مولدان زغال سنگ و فولاد اروپا ایجاد اتحادیه های گمرکی اروپا قدم دیگری بود که در راه اتحاد اقتصادی کشورهای اروپا در سال ۱۹۴۷ برداشته شد. هم زمان با تشکیل اتحادیه مزبور چند اتحادیه کوچکتر، که هر يك بین چند کشور برقرار شده بود به وجود آمد. مانند: کشورهای اسکاندیناوی - فرانسه و ایتالیا و یونان و ترکیه. ولی این اقدامات از این راه به نتیجه نرسید و کشورهای اروپائی متوجه شدند که به جای ایجاد اتحادیه های گمرکی باید پراهای دیگری متوسل شوند تا بازرگانی میان کشورهای اروپائی آزادانه و بی هیچ رادع و مانعی صورت گیرد.<sup>۳</sup>

در سالهای بعد از جنگ برای اینکه به حجم بازرگانی کشورهای مختلف بیفزایند کشورهای اروپا متوسل به قرار دادهای دوجانبه شدند. ولی پیش گرفتن این رویه که به سبب کمبود توازن بازرگانی بین کشورهای فوق بود مآلاً به نفع همگان

### ۱- The High Authority of the Coal and Steel Community.

۲ - در این باره هیئت اعزامی به کنفرانس Messiha در بروکسل که از دول اروپا تشکیل شده بود در گزارش خود می نویسد ( ۱۹۵۶ ) : در اروپا هیچ کارخانه اتومبیل سازی وجود ندارد که بتواند با صنعت اتومبیل سازی امریکا برابری کند هیچیک از کشورهای اروپائی قادر نیستند بدون کمک کشورهای خارجی هواپیماهای بزرگ تجاری بسازند. تجربیاتی که با کوشش زیاد در صنعت اتمی در بعضی از کشورهای اروپائی به دست آمده است با مسائلی که در این رشته در امریکا وجود دارد و تسهیلاتی که در این راه در اختیار صنایع گذاشته شده است ابدأ قابل مقایسه نیست و هیچیک از کشورهای اروپائی قادر نیستند مخارج سنگینی را که تحقیق در رشته های اتمی لازم دارد، تقبل کنند.

### ۳ - G. Myrdal : An International Economy, Problems &

Prospects, New York, (1956) p. 57.

نبود. از این رو کوشش شد که قرار دادهای دوجانبه و سهمیه بندی‌هایی که زاده آنها بود لغو شود و سیاست آزادتری در بازرگانی پیش گرفته شود. بی‌شک سیاست «سازمان همکاری‌های اقتصادی اروپا»<sup>۱</sup> در تجدید بازرگانی آزاد میان کشورهای اروپایی فوق‌العاده مفید واقع شد. با وجود این، چون نتایج مطلوب به دست نیامد کشورهای اروپایی متوجه شدند به جای آنکه یک سیاست مشترک بازرگانی و اقتصادی برای تمام کشورهای اروپایی اتخاذ کنند؛ بهتر است سیاست بازرگانی و اقتصادی ناحیه‌ای را میان کشورهایی که هم آهنگی اقتصادی بیشتری دارند اجرا کنند.

از کارهای دیگری که بدین منظور به عمل آمد ایجاد «اتحادیه پرداختهای اروپایی»<sup>۲</sup> بود که در اواسط ۱۹۵۰ برای تسهیل بازرگانی کشورهای اروپای غربی به وجود آمد.

در اواخر ۱۹۴۹ اروپا از نظر اقتصادی وارد مرحله تازه‌ای شد به این معنی که کمبود مواد مورد احتیاج در کشورهای اروپای غربی از میان رفت و میزان تولید مواد صنعتی حتی از سالهای پیش از جنگ هم بیشتر شد. مسئله تازه‌ای که درین زمان اروپائیان با آن مواجه شدند بازار فروش اجناس تولیدیشان بود. بازرگانی میان کشورهای اروپایی متکی به قراردادهای دوجانبه‌ای بود که توأم با سهمیه بندی و محدودیت‌های وارداتی اجرا می‌شد. گرچه این قراردادها تا اندازه‌ای قابل انعطاف بود ولی مقرر می‌داشت که کمبود موازنه پرداختها، با طلا یا بادلار داده شود. از این رو به سبب کمبود دلار، کشورهای مختلف برای تقلیل کمبود موازنه پرداختهای خود سعی می‌کردند که از واردات بکاهند. در نتیجه از حجم بازرگانی بین کشورها کاسته شد. و از عوامل تولیدی کشورهای مزبور چنانچه باید استفاده به عمل نیامد. به علاوه در نتیجه محدودیت‌های وارداتی رقابت کشورهای مختلف که مسبب بهبود تولید بود از میان رفت و هر کشوری کوشش داشت تعادل بازرگانی دوجانبه خود را با کشور مقابل، حتی اگر با کشور ثالثی اضافی صادرات هم داشته باشد حفظ کند.

مهمترین تغییری که ایجاد اتحادیه پرداختهای اروپایی در وضع بازرگانی اروپا به وجود آورد این بود که اضافی و کسری پرداختهای اروپایی در توازن پرداختهای خود پیدا می‌کردند بر خلاف گذشته تسویه می‌گردید. بدین معنی که قرار دادهای بازرگانی دوجانبه سابق چند جانبه گردید، و چنانچه کشوری با کشور دیگر در موازنه پرداختهای خود دچار کسری می‌شد می‌توانست از اضافی صادرات خود به کشور ثالثی استفاده نموده کسری مزبور را جبران کند. بنا بر این کشورهای عضو اتحادیه پرداختهای اروپایی فقط متوجه توازن پرداختها با طرف مقابل خود نبودند بلکه کوشش می‌کردند پرداختهای آنها با تمام کشورهای عضو اتحادیه توازن پیدا کند. در نتیجه حجم بازرگانی کشورهای عضو اتحادیه بیشتر شد. هم چنین پولهای رایج کشورهای عضو با یکدیگر قابل تبدیل گردید. نظارت در کارهای اتحادیه پرداختهای اروپایی به هیئت مدیره‌ای محول شد که در مقابل شورای «سازمان همکاری‌های اقتصادی اروپا» مسئول بود. هیئت مدیره مزبور نه تنها ناظر عملیات فنی

۱- The Organization for European Economic Co - operation

۲- European Payment Union.

اتحادیه پرداختها بود - که به وسیله بانک تسویه بین المللی ۱، به عمل می آمد - بلکه مسائل اقتصادی و مالی اتحادیه در آنجا مطرح و بررسی می شد .  
با تشکیل اتحادیه پرداختهای اروپائی و نتیجه ای که از آن حاصل شد فکر « اتحاد اقتصادی » بیشتر قوت گرفت . این اتحاد به دو صورت ممکن بود تحقق پیدا کند : اول این که اتحاد اقتصادی به شکل اتخاذ تصمیمات اداری صورت گیرد و با اقدامات اداری ادامه پیدا کنند . راه دوم این بود که با اقرار دادهای متقابل ابتدا مقررات موجود میان کشورهای ذی نفع را آسان کرد و بعد به تدریج آنها را از میان برداشت ۲ تا آنکه مرزهای سیاسی و جغرافیائی برای داد و ستدهای بازرگانی مانع نباشد و از تمام کشورهای عضو اتحادیه بازار مشترکی به وجود آید که قوانین عرضه و تقاضا در آن به نحوی مؤثر و بی هیچگونه دخالت منطقه ای اجرا گردد . ۳

« انجمن تجارت آزاد » ۴ یا « هفت کشور خارجی » ۵ و « مجمع اقتصادی اروپا » ۶ یا « بازار مشترك » ۷ اتحادیه هائی بود که بعد از مطالعات کافی در اروپای غربی به وجود آمد .

باید در نظر داشت که اختلافاتی اساسی میان دو اتحادیه یاد شده وجود دارد ، در حالی که لازمه ایجاد بازار مشترك تعرفه گمرکی واحد می باشد، در ناحیه تجارت آزاد تعرفه و دیگر محدودیت های بازرگانی برای اجناس و محصولات که از کشورهای عضو وارد می شود لغو می گردد ، بنا بر این کشورهای عضو انجمن موافقت می کنند که بدون وضع تعرفه گمرکی خاص برای خود با کشورهای عضو داد و ستد کنند و هر کشوری متقبل شود که فرآورده های دیگر کشورهای عضو را با معافیت های متقابل اجازه ورود دهد . طبق مقررات انجمن تجارت آزاد هر کشور مختار است که مقررات گمرکی خود را نسبت به کشورهای که در انجمن تجارت آزاد عضویت ندارند طبق دلخواه خود وضع کند .

در مورد بازار مشترك که لازمه آن اتحادیه گمرکی است وضع به کلی متفاوت است ، زیرا کشورهای عضو مکلفند تعرفه گمرکی واحدی را که مورد تصویب نمایندگان همه کشورهای عضو قرار گرفته است ، رعایت نمایند و هیچ کشوری نمی تواند بدون موافقت دیگر کشورهای عضو تغییری در مقررات گمرکی خود بدهد .  
هدف بازار مشترك اروپا که از شش کشور آلمان غربی - فرانسه - ایتالیا

#### ۱ - Bank For International Settlement

۲ - طریقه اول اتحاد را Institutional و طریقه دوم را Functional

نامیده اند .

۳ - K. albrecht : Problem und Methoden der wirtschaftlichen integration, Kiel, 1951 .

#### ۴ - Free Trade Association

#### ۵ - The Outer Seven

#### ۶ - European Economic Community .

#### ۷ - Common Market

هلند - بلژیک و لوکزامبورگ تشکیل شده است ، اینست که ناحیه وسیعی ایجاد کند که در آن سیاست اقتصادی مشترکی حکمفرما باشد و ازین راه بتواند میزان تولید کشورهای عضورا زیاد کند و سطح زندگی افراد کشورها را بالا ببرد. برای رسیدن به این مقصود لازم است کلیه کشور های عضو دارای بازار مشترکی باشند و مقررات گمرکی مشترکی وضع کنند . زیرا با داشتن بازار وسیع ، بدون اینکه ایجاد انحصار لازم شود تولید به میزان زیاد آسان خواهد بود .

برای اینکه بازار مشترکی میان این کشورها به وجود آید ، باید تمام مقرراتی که مانع بازرگانی است مرحله به مرحله لغو شود . یاد آوری این نکته لازم است که بازار مشترک از هر جهت بازار آزادی نخواهد بود و کشورهای عضو هر جا لازم بدانند ورود بعضی چیزها مثلاً محصولات کشاورزی را به یک یا چند کشور عضو ممنوع می کنند .

ایجاد بازار مشترک کامل در سه مرحله که هر یک چهار سال طول می کشد صورت می بندد و اگر لازم باشد یک دوره چهار ساله دیگر نیز به آن اضافه می شود. در دوره چهار ساله اول تعرفه گمرکی میان کشورهای عضو بازار مشترک ده درصد در پایان سال اول ، و سپس بعد از هر ۱۸ ماه ۱۰٪ دیگر تقلیل پیدا می کند ، بطوری که در دوره چهار ساله اول تعرفه گمرکی کشورهای عضو ۳۰٪ پائین خواهد آمد، در دوره چهار ساله دوم هم در هر ۱۸ ماه ۱۰٪ تعرفه گمرکی پائین می آید. و در پایان سال هشتم ۱۰٪ دیگر نیز در تعرفه گمرکی تنزل داده خواهد شد ، به طوری که بعد از هشت سال ۶۰٪ تعرفه گمرکی کشورهای عضو پائین خواهد آمد . در دوره چهار ساله سوم ۴۰٪ بقیه نیز از میان خواهد رفت .

از اینها گذشته ، شش کشور عضو بازار مشترک تعهد کرده اند که هیچ گونه سهم بندی یا تزییقاتی در مورد واردات یکدیگر ایجاد نکنند مگر آنکه موافقت نامه ای به امضاء برسد .

یکی از مواد قابل ملاحظه عهدنامه منعقد بین کشورهای عضو بازار مشترک توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای غیر اروپائی است که با کشورهای فرانسه - بلژیک - ایتالیا و هلند روابط خاصی دارند. بنا بر این فعالیت «مجمع اقتصادی اروپا» بیش از اتحادیه گمرکی است و حدود آن از مرزهای جغرافیائی کشورهای عضو تجاوز می کند .

بعز بازار مشترک بنا به پیشنهاد انگلستان کشور های دانمارک - نروژ - سوئد - پرتغال - سویس و اطریش تشکیل ناحیه تجارت آزاد را داده اند که چنانچه گفته شد فقط متقابلاً تسهیلاتی برای ورود مصنوعات یکدیگر قائل می گردند . چون دولت انگلیس اولاً منافع کشورهای مشترک المنافع را که با انگلستان در فروش محصولات کشاورزی قرار دادهائی دارند باید حفظ کند و ثانیاً از کشاورزی داخلی خود در برابر کشاورزی کشورهای اروپائی باید حمایت کند ، محصولات کشاورزی مشمول معافیت های گمرکی میان کشورهای عضو منطقه تجارت آزاد نمی شود .

مسئله مهم درین باره تأثیر تشکیل بازار مشترک در مقابل کشورهای غیر

عضو خاصه امریکاست . در این مورد باید دانست که تشکیل بازار مشترك و منطقه بازرگانی آزاد به یقین در اوایل امر به سود دنیای خارج نیست . زیرا خواهی نخواهی تضییقاتی برای واردات کشورهای غیر عضو به وجود خواهد آمد . این تضییقات به طور مستقیم نخواهد بود بلکه چون کشورهای عضو بازار مشترك یا عضو انجمن تجارت آزاد برای یکدیگر تسهیلاتی قائل می گردند مآلاً داد وستد با این کشورها به صرفه مملکت های غیر عضو تمام نخواهد شد .

این تضییقات با آنکه مدت کوتاهی وجود خواهد داشت ولی پس از چندی برای کشورهای غیر عضو و کشورهای متحد امریکا سودمند خواهد بود چون در اثر اتحاد و پیوستگی اقتصادی و مالی این کشورها و توسعه بازاری که از آن ناشی می شود، استفاده از منابع انسانی و عوامل تولیدی به حد اکثر می رسد و به سبب بالا رفتن سطح زندگی و رشد قدرت خرید مردم این کشورها قادر خواهند بود که از خدمات، مصنوعات و محصولات کشورهای صنعتی و غیر صنعتی سهم بیشتری به دست آورند و در مقابل پول بیشتری بپردازند . بعلاوه در اثر اتحاد اقتصادی کشورهای مترقی اروپای غربی بی شك قدرت تولیدی محصولات صنعتی آنان بیشتر می شود و در نتیجه می توانند به کشورهای توسعه نیافته کمک کنند . ترغیب کشورهای غربی اروپا از طرف امریکا صرفاً به ملاحظاتی اقتصادی نیست بلکه مبتنی بر این عقیده است که وجود يك اروپای متشکل و نیرومند مآلاً به سود کشورهای متحد امریکا تمام خواهد شد .

احمد مینائی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی